

دیه قتل شبه‌عمد از دیدگاه امام خمینی(ره)

محمدجعفر صادق‌پور*

چکیده

مقدار دیه در قتل عمد، شبه‌عمد و خطا برابر است و در هر یک از این گونه‌ها، یکی از اصناف شش‌گانه‌ای که فقها برای دیه مشخص کرده‌اند، پرداخت می‌شود. با این وجود در صورتی که جانی، شتر را به‌عنوان دیه برگزیند، سن و سال صد شتری که می‌پردازد در هر یک از این سه نوع قتل متفاوت است. فقها در رابطه با خصوصیات سنی و عناوین شترهایی که در قبال قتل شبه‌عمد پرداخت می‌شوند، بر یک رأی نیستند. از سخنان ایشان در این زمینه، پنج نظر مختلف استنباط می‌شود. منشأ این اختلاف نظرها، روایات گوناگونی است که در هر کدام، چینش شتران پرداختی و سن‌وسال آنها، به‌گونه‌ای متفاوت با روایات دیگر توصیف شده است. نگارنده در این نوشتار، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی-تحلیلی بر آن شده تا دیدگاه امام خمینی(ره) را در این خصوص، بررسی نموده و به وجه تمایز و اشتراک نظریه ایشان با دیگر فقها بپردازد. می‌توان دیدگاه امام خمینی(ره) در این خصوص را نظریه ششم در تعیین دیه قتل شبه‌عمد محسوب کرد. ایشان در پی اعتقاد به عدم ترجیح روایات بر یکدیگر، پس از طرح احتمال تخییر جانی، در اخذ به روایات وارده، در نهایت، ضمن حکم به احتیاط در پرداخت شترهایی که ارزش بیشتری دارند، مصالحه جانی با اولیای دم را بهترین و متقن‌ترین راهی می‌داند که از سویی مانع اجحاف بر اولیای دم می‌شود و از سویی دیگر، مورد رضایت جانی خواهد بود.

کلیدواژگان: امام خمینی(ره)، دیه، قتل شبه‌عمد، خلفه، حقه، جذعه، بنت لبون.

مقدمه

در فقه اسلامی برای قتل عمد، مجازات قصاص و برای قتل شبه‌عمد و خطایی، دیه تعیین شده است. با این حال، گاه در قتل عمد نیز، به دلایلی قصاص جریان نمی‌یابد یا اولیای دم، به اخذ دیه رضایت می‌دهند و در نتیجه دیه جایگزین قصاص می‌شود. در این صورت دیه پرداختی در سه نوع قتل مذکور، برابر است. این برابری از حیث قیمت و ارزش مالی دیه، تا زمانی است که آنچه به عنوان دیه انتخاب شده، شتر نباشد؛ زیرا اگر برای پرداخت دیه، شتر در نظر گرفته شود، با توجه به اینکه سن و سال شتران در انواع سه‌گانه قتل، مختلف است، طبیعتاً ارزش مالی آنها نیز متفاوت خواهد بود. البته این چگونگی، تنها در کتاب‌های فقهی مطرح است و به مواد قانونی کشیده نشده است؛ زیرا علی‌رغم اینکه فقها در خصوص سن شترانی که به عنوان دیه پرداخت می‌شوند، تفاوت قائل شده‌اند، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به اقتضای برخی الزامات تقنینی، به این مقوله پرداخته است. قانون مجازات اسلامی سابق نیز تفاوتی میان شتران پرداختی در قتل عمد، شبه‌عمد و خطایی ننهاد و تفصیلی در این زمینه منعکس نساخته است. مقنن، تنها در ماده ۲۸۹، در مورد دیه قتل عمد اظهار می‌دارد: «... در کلیه مواردی که شتر به‌عنوان دیه تعیین می‌شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

این درحالی است که می‌توان در کتاب‌های فقهی، مباحث مفصلی در این زمینه یافت. این مباحث به‌خصوص در زمینه دیه قتل شبه‌عمد، نمود بیشتری دارد؛ به گونه‌ای که با رجوع به منابع فقهی می‌توان دریافت تعیین سن و سال شترها در اینگونه قتل، با اختلاف نظرهایی همراه است. گزینش هر دیدگاهی در این عرصه می‌تواند موجب کاهش یا افزایش دیه از حیث قیمت و ارزش مالی باشد. بر این پایه، از نقطه‌نظر فقهی، ضروری است، با بررسی دیدگاه‌های فقها در این زمینه، به نتیجه‌ای صائب نائل آمد. مضافاً اینکه از نقطه‌نظر حقوقی هم این امر، خالی از فایده نیست؛ زیرا چه‌بسا نتیجه حاصله از این بررسی‌ها، در زمینه تعیین دیه قتل شبه‌عمد توسط نهاد قضایی کشور، بتواند موجب ایجاد مجال بیشتر در راستای انعطاف‌پذیری میزان دیه تعیین شده باشد.

این نوشتار که در همین زمینه به رشته تحریر درآمده، با ملاک قراردادن نظریه امام خمینی (ره) در خصوص دیه قتل شبه‌عمد، بر آن است تا ضمن بررسی دقیق آرای فقها و نیز

روشن‌ساختن وجوه افتراق و اشتراک آنها، نظریه امام(ره) را به ضمیمه عقبه فکری و فقهی آن، مورد کاوش قرار دهد و از همین رهگذر، نظرگاه ایشان را به عنوان میراث فقه‌های پیش از خود، که امروزه در کشور ما مبنای قانونگذاری مقنن نیز می‌باشد، مورد تحلیل قرار دهد. از همین رو در ادامه پس از بررسی مفاهیم اساسی همچون: «دیه» و «قتل»، اختلاف آرای فقها در دیه قتل شبه‌عمد تشریح می‌شود و آنگاه نظریه امام(ره) در این زمینه، در یک چارچوب خاص ارائه می‌شود.

۱. مفاهیم

۱-۱. دیه

واژه «دیه» مصدری است مأخوذ از فعل «ودی، یدی» که پس از حذف فاء‌الفعل آن «واو» و افزودن «هاء» به آخرش، بدین‌شکل نمودار شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۳۸۳). ماده «ودی»، در اصل، مفید معنای جریان داشتن و روان بودن در امتداد است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۳: ۷۳) و با لحاظ همین مناسبت، مشتقات آن، در معانی گوناگونی همچون: روش و طریقه، آبی که از انسان بعد از بول خارج می‌شود، سیلگاه، دره و ... استعمال می‌شوند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۲؛ تیموری، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷). دیه نیز که معادل آن در زبان فارسی، خون‌بهاست (عمید، ۱۳۹۱، ج ۲: ۹۹۷). از آن رو، دیه خوانده شده که درمقابل ریختن و جاری شدن خون، پرداخت می‌گردد (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۱۹۴). فقهای امامیه و از جمله امام خمینی(ره) در کتاب‌های خویش معمولاً دیه را با عباراتی مشابه، اینگونه تعریف کرده‌اند:

الدية هي المال الواجب بالجناية على الحر في نفس أو ما دونها سواء كان له مقدر أو لا؛ دیه عبارت است از مالی که به‌واسطه ایراد جنایت بر نفس یا کمتر از نفس انسانی آزاد، واجب می‌شود؛ خواه مقدار آن معین باشد و خواه نباشد (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۳؛ رک: شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۳۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۴؛ مشکینی، بی‌تا: ۲۴۸).

نکته درخور تأمل در این تعریف، شمول آن نسبت به ارش و حکومت است. بدین بیان که با توجه به بخش پایانی عبارت که مقدر بودن را شرط ندانسته، مال غیرمقدری که درقبال جنایت پرداخت می‌شود و شامل حکومت و ارش است، تحت عنوان دیه داخل می‌شود. این درحالی است که برخی فقها معتقدند دیه تنها بر مال مقدر اطلاق می‌شود؛ چنانکه «محقق خویی» در تعریف دیه آورده

است: «الدیه هی المال المفروض فی الجنایة علی النفس أو الطرف أو الجرح أو نحو ذلك: دیه مالی است که درقبال جنایت بر نفس یا عضو یا جراحت و یا مانند آن، معین شده است» (خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲: ۲۲۹).

به نظر می‌رسد این اختلاف در تعبیر، برآمده از تفاوت دیدگاه نباشد، بلکه صرفاً از آن رو رخ نموده که فقیهان دسته نخست، بیشتر به کارکرد لغوی واژه دیه نظر داشته‌اند و همچنین بر آن بوده‌اند که از تعریف مألوف و مرسوم آن، پیروی نمایند. مؤید این مهم، یادکرد ایشان از مسئله ارش و حکومت پس از ارائه تعریف فوق‌الذکر است که همگی بر این احتمال که واژه دیه مخصوص مال مقدر باشد صحه گذاشته‌اند. چنانکه امام خمینی (ره) پس از بیان تعریف ذکرشده می‌افزاید: «... و ربما یسمى غیر المقدر بالأرش و الحکومة، و المقدر بالدية: و چه بسا دیه غیرمقدر، به ارش و حکومت نامبردار شود و بر دیه مقدر، دیه اطلاق گردد» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۳).

به هر روی، تعریف دیه هرچه باشد، از آنجا که تعریفی است شرح‌الاسمی و نه حقیقی، تنها برای ایجاد تصویری از مفهوم دیه ارائه شده و اگر قرار باشد به مفهوم دقیق آن پی‌برده شود، ناگزیر بایستی احکام و مسائل مربوط به آن بررسی گردد تا ماهیت دقیقش روشن شود؛ شاید به همین علت بوده که فقیهان بزرگی چون شیخ طوسی، محقق حلی و علامه حلی، هیچ تعریفی از دیه ارائه نداده‌اند.

گفتنی است که قانونگذار نیز در قانون مجازات اسلامی، به تبع فقه، واژه دیه را در مفهومی اعم از ارش و حکومت به‌کارگرفته و درحقیقت آن را بر دو گونه مقدر و غیرمقدر تقسیم نموده است؛ چنانکه در ماده ۴۴۸ و ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به‌ترتیب، دیه مقدر و غیرمقدر یا ارش را تعریف می‌نماید.

مقدار دیه کامله در فقه امامیه، یکی از این موارد شش‌گانه است: صد شتر سال‌دار، دویست گاو، دویست حله، هزار دینار طلا، هزار گوسفند و یا ده‌هزار درهم نقره (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۴). البته در عصر حاضر، هرساله میزان دیه توسط قوه قضائیه تعیین و اعلام می‌شود که عموماً براساس قیمت صد شتر، آن هم با لحاظ ملاحظاتی همچون بالا نرفتن زیاد حق بیمه‌ها و نظایر آن صورت می‌پذیرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۱۷-۲۱۹).

۱-۲. قتل

۱-۲-۱. قتل در لغت و اصطلاح

خارج شدن روح از بدن آدمی اگر به لحاظ فردی که روح را خارج می‌سازد، در نظر گرفته شود، عنوان «قتل» می‌گیرد و آنگاه که کانون توجه، این مهم باشد که به واسطه خارج شدن روح، زندگانی شخص به اتمام می‌رسد، بر خروج روح از بدن، «الموت» اطلاق می‌شود. راغب اصفهانی در این خصوص می‌نویسد:

أصل القتل إزالة الروح عن الجسد كالموت، لكن إذا اعتبر بفعل المتوكل لذلك يقال قتلٌ و إذا اعتبر بفوت الحياة يقال موت؛ اصل قتل همانند موت، به معنای ازاله روح از بدن است اما هرگاه به اعتبار کسی که ازاله روح می‌کند در نظر آید، قتل گفته می‌شود و هرگاه که به اعتبار پایان یافتن زندگی شخص، در نظر گرفته شود، به آن موت می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵۵).

بنابراین قتل در لغت، به معنی کشتن و سلب حیات است. معنای اصطلاحی قتل در فقه اسلامی نیز، هم‌عرض معنای لغوی آن است، زیرا فقها عموماً قتل را به معنی «ازهاق الروح» یعنی خارج ساختن جان و روح می‌دانند (عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۳: ۶۹). البته شایان ذکر است که فقهای امامیه غالباً تعریفی از قتل به معنای عام آن ارائه ندادند؛ بلکه همواره در ضمن بیان موجب قصاص، که عبارت است از قتل عمد همراه با شرایطی ویژه، قتل را تعریف و درحقیقت توصیف نموده‌اند؛ چنانکه صاحب جواهر در تعریف این رابطه می‌نویسد:

إزهاق النفس المعصومة و إخراجها من التعلق بالبدن المكافئة و المساوية لنفس المزهق في الإسلام و الحرية و غيرها من الشرائط الآتية أو الأعلى عمدا عدوانا؛ خارج ساختن نفس معصومه و اخراج آن از تعلق به بدن شخص هم‌کفو و مساوی با شخص اخراج کننده در اسلام و حریت و غیر از آن از شرایطی که در ادامه خواهد آمد یا خارج ساختن جان شخص برتر از خویش، به عمد و از روی تجاوز و عدوان (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲: ۱۱).

امام خمینی(ره) نیز در پی بیان موجب قصاص نفس، قتل را اینگونه تعریف می‌کنند: «هو إزهاق النفس المعصومة عمدا مع الشرائط الآتية؛ خارج کردن جان معصومه به صورت عمدی همراه با شرایطی که در آینده می‌آید» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۰۸).

امام(ره) در ادامه، به برشمردن شرایط تحقق قتل موجب قصاص همانند: عدوانی بودن، تکافو در دین و حریت و ... می‌پردازند. براین پایه می‌توان نتیجه گرفت که قتل در اندیشه فقها و از جمله امام خمینی(ره)، عبارت است از: «خارج ساختن روح از تن و یا به تعبیر دقیق‌تر، قطع تعلق روح از بدن شخصی دیگر».

۱-۲-۲. انواع قتل

نه تنها قتل، بلکه همه جرایم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل می‌شوند. لحاظ عنصر روانی در تحقق جرم بدین معناست که نقض اوامر و نواهی قانونگذار به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه فعل یا ترک فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد. ارتکاب جرم، تظاهر نیت سوء و یا خطای مجرم است، مشروط به اینکه فاعل، چنین فعلی را بخواهد یا دست‌کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی قانونگذار آگاه باشد. از همین رهگذر تقسیم جرم به عمد، خطا و شبه‌عمد پدیدار می‌شود. هرگاه فاعل قصد رفتار و قصد حصول نتیجه آن را داشته باشد، «عامد» محسوب می‌شود؛ در غیر این صورت اگر فاعل قصد فعل داشته باشد، بدون آنکه نتیجه مجرمانه‌ای را که از آن حاصل می‌شود طلب کند و ترتب این نتیجه بر فعل ارتكابی، محتمل و قابل پیش‌بینی باشد، لیکن فاعل از ارتکاب فعل نپرهیزد، «خاطی» است. گاه نیز در فعل خویش عمد دارد ولی در نتیجه آن خطاکار است که در این حال، مرتکب جرم «شبه‌عمد» شده است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۳۳۶-۳۳۷). بر این پایه، قتل بر سه‌گونه: عمد، شبه‌عمد و خطایی تقسیم می‌شود. یکی از ثمرات تقسیم مذکور این است که به فراخور نوع جرم ارتكابی، مسئولیت جنایی مجرم متفاوت خواهد بود. از همین روست که در ارتکاب جرم قتل، در صورت عمد بودن، قاتل قصاص می‌شود و در صورت شبه‌عمد بودن بایستی دیه بپردازد و اگر قتل خطایی باشد، پرداخت دیه بر عاقله است.

امام خمینی(ره) نیز همانند قاطبه فقهای شیعه، قتل را بر سه‌گونه دانسته و ضابطه تشخیص آن را این‌گونه بیان کرده است:

قتل، یا عمد محض است یا شبه‌عمد یا خطای محض است. بدون اشکال عمد به قصد قتل به وسیله کاری که نوعاً به مثل او کشته می‌شود تحقق پیدا می‌کند و همچنین است به قصد فعلی که نوعاً می‌کشد؛ اگرچه قصد قتل نکرده باشد، بلکه ظاهر این است که عمد تحقق پیدا می‌کند به کاری که غالباً به آن کشته نمی‌شود - به رجاء تحقق قتل - مانند کسی که او را به رجاء قتل، به

وسيله عصابزند پس قتل اتفاق بيافتد. شبه‌عمد آن است که قصد نمايد فعلی را که غالباً به آن کشته نمی‌شود و قتل او را قصد نکند، کما اینکه او را جهت تأديب با تازیانه و مانند آن بزند پس قتل اتفاق افتد و از این قبیل است معالجه پزشک در صورتی که از او قتل اتفاق بیفتد در صورتی که او مباشر معالجه باشد. و از این قبیل است ختنه کردن در صورتی که از حد تجاوز کند. و از این قبیل است زدن عدوانی با چیزی که غالباً به آن کشته نمی‌شود بدون آنکه قتل را قصد نموده باشد. خطای محض که از آن به خطایی که شبه‌ای در آن نیست، تعبیر می‌شود؛ آن است که فعل و همچنین قتل را قصد ننماید، مانند کسی که شکاری را رمی نماید یا سنگی را بیندازد پس به انسانی بخورد و او را بکشد. و از این قبیل است جایی که انسان مهدورالدمی را تیر بزند پس به انسان دیگر بخورد و او را به قتل برساند (اسلامی، ۱۴۲۵، ج ۴: ۳۴۹-۳۵۰).

از آنچه بیان شد می‌توان دریافت که در قتل عمد هم قصد فعل است و هم قصد نتیجه و در قتل خطایی نه قصد فعل وجود دارد و نه قصد نتیجه، در حالی که در قتل شبه‌عمد، قصد فعل هست اما قصد نتیجه‌ای در کار نیست.

۲. دیه قتل شبه‌عمد

در فقه اسلامی، مقدار دیه قتل، چه عمد باشد، چه شبه‌عمد و چه خطایی، یکسان است و آن عبارت است از یکی از اقلام شش‌گانه‌ای که پیش از این بیان شد. بنابراین دیه قتل شبه‌عمد و خطایی همانند قتل عمد، صد شتر، دویست گاو، دویست حله، هزار دینار طلا، هزار گوسفند و یا ده‌هزار درهم نقره می‌باشد. به‌عنوان مثال در صورتی که قرار باشد، گاو یا قیمت آن، به‌عنوان دیه پرداخت شود، در هر سه نوع قتل، دویست رأس گاو، ملاک خواهد بود. البته میان این سه نوع قتل، علی‌رغم تساوی در مقدار دیه، از حیث استیفای آن، تغلیظ و تخفیف لحاظ شده است؛ زیرا مهلت پرداخت دیه، طبق قانون و نظر مشهور فقها،^۱ در قتل عمد یک سال، در قتل شبه‌عمد دو سال و در قتل خطایی سه سال است (ماده ۴۸۸ ق.م.ا). با این همه، اگر آنچه به‌عنوان دیه پرداخت

۱. فقهای امامیه در خصوص مهلت پرداخت دیه قتل عمد و خطا به علت تصریح روایت، هم‌عقیده اند؛ اما در اینکه مهلت پرداخت دیه شبه‌عمد، دو سال است یا نه؟ از آنجا که که روایتی صادر نشده، اختلاف نظر دارند. بسیاری و از جمله امام خمینی (ره) معتقدند مهلت پرداخت در این فرض، دو سال است اما معدودی از فقها همچون مرحوم خویی این دیدگاه را نپذیرفته‌اند و قائل به مهلت سه سال هستند (ر.ک: امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۷؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۴: موسوعه ۲۴۰). قانون‌گذار در ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) تبعیت کرده است.

می‌شود، شتر باشد، علاوه بر مهلت استیفا، از دو جهت دیگر نیز میان انواع سه‌گانه قتل، تفاوت وجود دارد؛ آن دو جهت عبارتند از: سن شتران و صفت آنان. شیخ طوسی در *المبسوط* و ابن ادریس در *السرائر* پس از بیان انواع سه‌گانه قتل، دیه آنها را بر سه‌گونه مختلف تقسیم کرده‌اند و در ضمن این تقسیم، تفاوت دیه این سه نوع قتل را از حیث تغلیظ و تخفیف تشریح نموده‌اند. سه گونه متفاوت دیه، که به حسب انواع سه‌گانه قتل معین شده‌اند به قرار زیر می‌باشند:

۱- دیه مغلظه از سه جهت سن، صفت و استیفا که دیه قتل عمد است؛ زیرا جانی در اینگونه قتل بایستی سی شتر سه ساله که داخل سال چهارم شده‌اند (حِقَّه)، سی شتری که وارد پنج سال شده‌اند (جَدَّعه) و چهل شتر ماده هفت ساله (خَلْفه) بپردازد. علاوه بر سخت گیری مذکور در سن، بایستی چهل شتر هفت ساله اخیر، متصف به وصف حمل باشند؛ یعنی آبستن نیز باشند. تغلیظ از حیث استیفا نیز به این قرار است که این مقدار دیه، از مال شخص جانی و در ظرف یک سال بایستی پرداخت شود.

۲- دیه مخففه از سه جهت سن، صفت و استیفا که دیه قتل خطایی است؛ زیرا در قتل خطایی، از آنجایی که عاقله جانی در ظرف سه سال دیه را پرداخت می‌کند، از حیث استیفا به او تخفیف داده شده است. علاوه بر این، شتر آبستن نیز از او طلب نمی‌شود و سن شتران پرداختی نیز از دیه قتل عمد به مراتب کمتر است؛ زیرا آنچه بر او به عنوان دیه لازم شده عبارت است از: بیست شتر ماده یک ساله که وارد سال دوم شده‌اند (بنت مخاض)، بیست شتر نر که وارد سال سوم شده‌اند (ابن لبون)، بیست شتر ماده‌ای که وارد سال سوم شده‌اند (بنت لبون) و بیست شتر سه ساله که داخل سال چهارم شده‌اند (حِقَّه) و بیست نفر شتری که وارد پنج سالگی شده‌اند (جَدَّعه).

۳- دیه «مغلظه» از جهتی و «مخففه» از جهتی دیگر که مخصوص قتل شبه‌عمد است؛ چه اینکه در این نوع قتل، سن و صفت شتران، همانند قتل عمدی است و از این جهت، مغلظه محسوب می‌شود، اما از آنجایی که مدت پرداخت دیه، بنابر قولی دو سال و بنابر قولی دیگر، سه سال است و نه یک سال، خود تخفیفی از حیث استیفا به حساب می‌آید (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۱۱۵-۱۱۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳: ۳۲۲).

علی‌رغم یکسان دانستن سن و وصف شتران پرداختی در قتل عمد و شبه‌عمد از سوی برخی از فقها چون شیخ طوسی و ابن ادریس، لکن در این زمینه همه فقیهان هم عقیده نیستند و

بسیاری از آنان، شتران پرداختی در قتل شبه‌عمد را از گونه‌هایی غیر از آنچه در قتل عمد واجب می‌شود، می‌دانند. در ادامه به بیان اقوال و دیدگاه‌های ایشان در این زمینه پرداخته می‌شود.

۱-۲. اقوال فقها

اقوال فقها در خصوص دیه قتل شبه‌عمد، در قالب سه نظریه مختلف قابل بررسی است؛ در اینجا به واکاوی هر یک از این سه دیدگاه با ذکر مستندات آنها، پرداخته می‌شود و در پایان، نظریه امام خمینی(ره) تشریح خواهد شد.

۱-۱-۲. دیدگاه اول

نظریه نخست در زمینه دیه قتل شبه‌عمد، همان دیدگاهی بود که در سطور پیش، از شیخ طوسی در *المبسوط* و ابن‌ادریس نقل شد که مطابق آن، شخص جانی در قبال قتل شبه‌عمدی که مرتکب شده، بایستی سی شتر سه ساله که داخل سال چهارم شده‌اند (حِقَّة)، سی شتری که وارد پنج سال شده‌اند (جَدَّعَه) و چهل شتر ماده‌ی هفت ساله (خَلْفَه) بپردازد^۱ (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۱۱۵-۱۱۶؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳: ۳۲۲). این درحالی است که شیخ در کتاب *النهاییه* دیدگاه دیگری را برگزیده که ذیل دیدگاه سوم به آن اشاره می‌شود.

۲-۱-۲. دیدگاه دوم

دیدگاه دوم درخصوص دیه شبه‌عمد در صورتی که شتر پرداخته شود، عبارت است از اینکه دیه قتل شبه‌عمد از اینگونه شتران پرداخته می‌شود: سی و سه شتر سه ساله که داخل سال چهارم شده‌اند (حِقَّة)، سی و سه شتر که وارد پنج سال شده‌اند (جَدَّعَه) و سی و چهار شتر پنج ساله که وارد سال ششم شده‌اند و آماده جفت‌گیری هستند (ثَنِيَه). این دیدگاه را شیخ مفید در *المقنعه* اختیار کرده است^۲ (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۷۳۵). چنان‌که پیداست تفاوت این دیدگاه با نظریه نخست در این است که اولاً: تعداد شتران حقه و جدعه، هر کدام سی و سه نفر است، بر خلاف قول شیخ که سی نفر بودند و بالتبع، شتران دسته سوم که لزوماً بایستی بیش از سی و چهار نفر نباشند، در همین تعداد حصر می‌شوند. ثانیاً: سی و چهار شتر اخیر، ثنیه هستند و نه خلفه.

۱. «ثلاثون حقة و ثلاثون جذعة و أربعون خلفة».

۲. «ثلاث و ثلاثون حقة و ثلاث و ثلاثون جذعة و أربع و ثلاثون ثنية كلها طروقة الفحل».

۲-۱-۳. دیدگاه سوم

دسته دیگری از فقها معتقدند که شتران پرداختی در قتل شبه عمد بایستی به قرار زیر باشند: سی و سه شتر ماده‌ای که وارد سال سوم شده‌اند (بنت لبون)، سی و سه شتر سه ساله که داخل سال چهارم شده‌اند (حَقَّة) و سی و چهار شتر ماده هفت ساله (خلفه). این دیدگاه از سوی شیخ طوسی در کتاب *النهایه* و قاضی ابن براج در کتاب *المهذب* طرح شده است^۱ (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ۴۵۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۸).

۲-۱-۴. دیدگاه چهارم

محقق حلی در *سرائع الاسلام* دیدگاهی در خصوص دیه قتل شبه‌عمد برگزیده که در دو بخش از شتران، بر نظریه شیخ طوسی در *النهایه* منطبق است اما مرحوم محقق در قسم سوم آنها، بر این باور است که بایستی به جای سی و چهار خلفه، سی و چهار ثنیه پرداخت شود. بنابراین، وفق این نظریه، دیه قتل شبه‌عمد عبارت است از: سی و سه شتر ماده‌ای که وارد سال سوم شده‌اند (بنت لبون)، سی و سه شتر سه ساله که داخل سال چهارم شده‌اند (حَقَّة) و سی و چهار شتر پنج ساله که وارد سال ششم شده‌اند و آماده جفت‌گیری هستند (ثنیه). شهید اول در *اللمعه* نیز همین دیدگاه را دارد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۲۹؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۷۸).

۲-۱-۵. دیدگاه پنجم

نظر پنجم از حیث سن و سال شتران و نام آنها، بسیار نزدیک به نظر سوم است؛ اما تفاوت آنها از این جهت است که در این دیدگاه به جای سی و سه شتر بنت لبون و نیز سی و سه شتر حقه، هر کدام تنها سی نفر شتر پرداخت می‌شود و در نتیجه تعداد شترهای خلفه، به چهل نفر می‌رسد. علامه حلی که معتقد به این دیدگاه است در این رابطه می‌نویسد:

أما شبيه العمد فروایتان، أصحهما طریقا ما ذکرناه عن علی علیه السلام أنّها ثلاثون بنت لبون و ثلاثون حَقَّة و أربعون خلفة: در زمینه دیه قتل شبه‌عمد دو روایت وجود دارد که صحیح‌ترین آنها از حیث سند، آن است که از امام علی علیه السلام نقل شده مبنی بر اینکه دیه قتل شبه‌عمد، سی شتر بنت لبون، سی شتر حقه و چهل شتر خلفه است (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۵۶۳).

۱. «ثلاث و ثلاثون بنت لبون، و ثلاث و ثلاثون حقه، و أربع و ثلاثون خلفة».

شهید ثانی در *مسالك الافهام* نیز این دیدگاه را پذیرفته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۳۱۸). همچنین صاحب جواهر این نظریه را به دلیل استناد به روایتی صحیحه، دیدگاهی «متجه» و پذیرفتنی قلمداد کرده و بر صحت آن تأکید نموده است^۱ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۲۰). محقق خوبی نیز در *مبانی تکمله* پس از بررسی احادیث وارده در این زمینه، این نظریه را مقبول می‌داند (خوبی، ۱۴۲۲، ج ۴۲: ۲۳۷).

شایان ذکر است که وفق مستند این دیدگاه که روایتی از امام صادق از قول امیرالمؤمنین علیهما السلام است، حقه بودن شترهای تعیین شده، اعم از ثنیه بودن آنهاست زیرا در روایت آمده است:

...أربعون خلفه بين ثنیه إلى بازل عامها و ثلاثون حقه و ثلاثون بنت لبون: *چهل شتر خلفه اعم از شتر داخل شش سال (ثنیه) تا شتر هشت ساله که داخل در سال نهم شده (بازل عام) و سی حقه و سی بنت لبون*^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۹).

۲-۲. دیدگاه امام خمینی(ره)

تاکنون روشن شد که فقهای امامیه در مورد خصوصیت صد شتری که به عنوان دیه قتل شبه‌عمد پرداخت می‌شوند بر یک رأی نیستند. در سطور پیش این آرا را بر پنج نظریه تقسیم نمودیم. اما در این میان باید دیدگاه ششمی نیز مطرح شود که متعلق به امام خمینی(ره) است. ایشان در *تحریر الوسيله* علی‌رغم اشاره به مستندات آرای فقها، هیچ‌یک از دیدگاه‌های مذکور را مرجح ندانسته و نظری مستقل و در عرض آنچه تاکنون بیان شد، ارائه نموده‌اند. این نظر مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که برای درک هرچه بهتر دیدگاه امام(ره)، باید مورد بررسی قرار گیرند. در اینجا، به اهم این مطالب اشاره می‌شود:

۱. «... و حينئذ فالمتجه العمل بما في رواية عبد الله بن سنان عن الصادق عليه السلام عن أمير المؤمنين عليه السلام التي رواها المحمّدون الثلاثة صحیحا في بعض الطرق من أنها ثلاثون بنت لبون و ثلاثون حقة و أربعون خلفه و هي الحامل وفاقا للمحكي عن أبي علي و المقنع و الجامع و المقتصر و ظاهر الغنية و التحرير».

۲. نص روایت چنین است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي الْخَطِّ شِبْهُ الْعَمْدِ أَنْ يُقْتَلَ بِالسُّوْطِ أَوْ بِالْعَصَا أَوْ بِالْحَجَرِ أَنْ دِيَّةَ ذَلِكَ تَغْلُظُ وَ هِيَ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ مِنْهَا أَرْبَعُونَ خَلْفَةً مِنْ بَيْنِ ثَنِيَّةٍ إِلَى بَازِلِ عَامِهَا وَ ثَلَاثُونَ حِقَّةً وَ ثَلَاثُونَ بِنْتُ لَبُونٍ».

۱-۲-۲. وجود احادیث مختلف

منشا اختلافات و تشتت آرای فقها، وجود احادیث و روایات مختلفی است که هر کدام، شتران دیه قتل شبه‌عمد را با خصوصیات سنی خاص و نیز چینش تعداد ویژه‌ای مشخص کرده‌اند. فارغ از مباحث رجالی و سندی، احادیث وارده، اختلاف فراوانی با یکدیگر دارند که جمع آنان بدون طرح و طرد برخی دیگر ممکن نیست. امام خمینی(ره) با اشاره به اختلاف این روایات، می‌نویسد:

اخبار و آرا در دیه شبه‌عمد، مختلف است؛ پس در روایتی آمده است: «چهل خلفه» یعنی حامل و ثنیه، که داخل سال ششم شده است و سی «حقه» که داخل سال چهارم می‌باشد و سی «بنت لبون» که داخل سال سوم شده است. و در روایت دیگری آمده است: سی و سه حقه و سی و سه «جذعه»، که داخل سال پنجم است و سی و چهار «ثنیه»، که «کله‌ها طروقه» باشند؛ یعنی همه آنها به حد تخم‌گیری با فحل رسیده باشند یا آنها می‌باشند که فحل بر آنها راه پیدا کرده و آنها حامله شده‌اند و در روایت سومی عوض «کله‌ها طروقه»، «کله‌ها خلفه» است و در روایت چهارمی بین آن دو روایت جمع نموده و گفته است: «همه آنها خلفه از طروقه فحل باشند» (اسلامی، ۱۴۲۵، ج ۴: ۳۵۵).

با مراجعه به جوامع روایی، این اختلاف روایی چه بسا بیشتر جلوه نماید و احادیثی با مضامین دیگر نیز یافت شود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۹-۲۰۳).

۲-۲-۲. عدم ترجیح حتمی یک روایت خاص

هرچند بسیاری از فقها، همانند صاحب جواهر و محقق خویی، با بررسی روایات باب قتل شبه‌عمد، یک روایت و در نتیجه یک دیدگاه ویژه در زمینه دیه قتل شبه‌عمد برگزیده‌اند و به مضمون دیگر روایات عمل نکرده‌اند؛ لکن امام خمینی(ره) بر این باور است که هیچ یک از این روایات نمی‌توانند به صورت جزمی مفید نظری واحد باشند و موجب چشم‌پوشی از دیگر نصوص باشند. از همین رو ایشان در *تحریر الوسیله* علی‌رغم اینکه بنایی بر ذکر روایات و دلایل ندارند و غالباً به شیوه‌ای نیمه‌استدلالی، نظر خویش را ابراز می‌دارند، پس از بیان چهار دسته از روایات باب مذکور، هیچ یک را بر دیگران ترجیح نمی‌دهند و بدین وسیله روشن می‌کنند که از حیث روایی، نمی‌توان در این زمینه قائل به دیدگاه واحدی شد.

۲-۲-۳. تخییر در مقام عمل

با توجه به اینکه احادیث وارده درباب دیه شبه‌عمد، ازسویی قابل طرح نیستند و جمع میان آنها نیز ممکن نیست و از دیگرسو، می‌توان فائل به تخییر در عمل به آنها شد، امام خمینی(ره) نیز بر همین اساس ابتداء، تخییر در رجوع به هریک از احادیث را خالی از اشکال قلمداد می‌کند و بدین ترتیب معتقد می‌شوند که «جانی» می‌تواند بر اساس هریک از چهار دسته روایتی که بیان شد، شتران دیه خویش را بپردازد. به عبارت دیگر، جانی در خصوصیات سنی شتران پرداختی، نسبت به مواردی که در گستره احادیث آمده‌اند مخیر است. بر این پایه ایشان پس از بیان روایات، تصریح می‌کنند: «... فالقول بالتخییر للجانی بینها غیر بعید؛ بنابراین، نظریه تخییر جانی نسبت به انتخاب هر یک از موارد مذکور، بعید به نظر نمی‌رسد» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۷).

آیت‌الله فاضل لنکرانی در کتاب *الذیات تفصیل الشریعه* که شرحی مبسوط بر تحریر *الوسیله* امام(ره) است، اشاره می‌کنند که نفس این اختلافات که در روایات آمده است، می‌تواند دال بر عدم تعیین دیه و در نتیجه مخیر بودن جانی باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۳۰). به نظر می‌رسد آنچه امام(ره) را بر آن داشته تا احتمال جواز تخییر جانی را مطرح کند، همین نکته‌ای باشد که در *تفصیل الشریعه* آمده است.

۲-۲-۴. احتیاط، متقن‌ترین روش

با وجود اینکه امام(ره) ابتدا مخیر بودن جانی در اخذ به روایات را به‌عنوان راهکار مواجهه با نصوص مختلف در زمینه دیه قتل شبه‌عمد مطرح می‌سازد اما در ادامه با عبارت «لکن لا یخلو من إشکال؛ اما تخییر خالی از اشکال نیست» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۷). این راهکار را قابل مناقشه معرفی می‌کند و از پایبندی به آن روی‌گردان می‌شود. چه بسا علت این روی‌گردانی، این بوده که اگر روایات نظر به جواز تخییر می‌داشتند و مذاق آنها، مفهم تخییر بود، حتماً درضمن آنها به این امر اشاره یا اشعاری می‌شد؛ لکن از نحوه صدور هر یک از این روایات، آنگاه که جداگانه در نظر گرفته می‌شوند، تمایل به تعیین و تعیین دیه فهمیده می‌شود و به‌هیچ‌وجه، مفید عدم تعیین نیستند. آری، آنگاه که تعارض آنها مد نظر قرار می‌گیرد، چه‌بسا تخییر در اخذ آنها، به‌عنوان شیوه حل تعارض‌شان مورد التفات قرار گیرند. بر این پایه، امام(ره) در ادامه، بهترین دیدگاه را در این مسئله احتیاط معرفی می‌کنند؛ احتیاطی که در راستای پایمال نشدن

حق و حقوق مجنی علیه و اولیای او بایستی از سوی جانی مورد عمل قرار گیرد و از سوی اولیای دم نیز باید تلاش نمایند که جانب حقوق جانی نیز در این مسئله رعایت شود. از این رو این احتیاط، مکلف را به دو نکته رهنمون می‌سازد: نخست رعایت تصالح و دیگر احتیاط جانی در پرداخت مبلغ بیشتر.

۱-۴-۲. احتیاط به تصالح

از آنجایی که واقعیت امر و حکم الله در مسئله مورد نظر به علت وجود نصوص مختلف، مکشوف نیست و از سویی مبلغ دریافتی اگر بیشتر از حق باشد، اجحاف به جانی و اگر کمتر باشد، ظلم به اولیای دم است، لذا بهترین راهی که می‌تواند موجب برائت ذمه هر دو گردد و مانع مفسده و ظلم و اجحاف باشد، مصالحه کردن طرفین بر شترانی است که هر دو به پرداخت آنها رضایت دارند. این مصالحه، موجب می‌شود هیچ‌کدام از طرفین، نسبت به طرف دیگر مشغول الذمه نشوند. از همین رو امام(ره)، در مسئله دیه قتل شبه‌عمد، احتیاط را در تصالح طرفین می‌بیند و حکم به مصالحه می‌کند: «فالأحوط التصالح» (همان: ۵۵۷). این رویکرد از سوی شارح *تحریر الوسیله*، آیت الله فاضل لنکرانی، نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ هرچند تمایل بیشتری به عدم تعیین دیه‌ای خاص و در حقیقت تخییر جانی نشان داده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۳۰).

۲-۴-۲. احتیاط جانی در پرداخت بیشترین میزان

بنابر آنچه بیان شد روشن گردید که طبق مبنای امام خمینی(ره)، مصالحه کردن طرفین، بهترین روش برای حل و فصل دیه شبه‌عمد است؛ اما نکته‌ای دیگر که از آن نباید غافل شد و به‌عنوان تکلیف برای جانی متعین است، احتیاط او در پرداخت شترانی است که یقین نماید نسبت به دیه قتلی که بر ذمه داشته، بری شده است. امام(ره) در این زمینه می‌فرماید: «للجانی الأخذ بأحوطها» (امام خمینی، بی‌تا، ج: ۲: ۵۵۷). بنابراین، همان‌گونه که لزوم عمل به احتیاط، مقتضی مصالحه طرفین بود، رعایت احتیاط اقتضا دارد جانی شترانی بپردازد که از حیث قیمت بیشترین ارزش را دارند؛ البته اگر اولیای دم به کمتر از این نیز مصالحه نمایند، بی‌تردید جانی حق خویش را نسبت به آنان ادا نموده است.

نتیجه

مقدار دیه قتل شبه‌عمد با قتل عمد و خطا، مساوی و برابر است. بر این اساس جانی بایستی یکی از اقلام شش‌گانه «صد شتر سال‌دار، دویست گاو، دویست حله، هزار دینار طلا، هزار گوسفند و یا ده هزار درهم نقره» به‌عنوان دیه، بپردازد. با این وجود، از سه جهت ممکن است بین دیه قتل عمدی، شبه‌عمد و خطایی تفاوت باشد. اولین جهت از حیث مهلت، استیفاست؛ زیرا در قتل عمد، یک سال و در قتل شبه‌عمد دو سال و قتل خطایی، سه سال به جانی مهلت داده می‌شود تا دیه را بپردازد. علاوه بر این مورد، اگر آنچه به‌عنوان دیه پرداخت می‌شود شتر باشد، از لحاظ سن و سال شترها و نیز وصف آنها که آبستن باشند یا نه، میان انواع سه‌گانه قتل تفاوت وجود دارد. فقها در خصوص اوصاف و خصوصیات سنی و وصفی که برای شتران پرداختی در قتل شبه‌عمد لازم است، پنج رأی مختلف دارند. برخی معتقد شده‌اند که صد شتر پرداختی باید عبارت باشند از: سی حقه، سی جذعه و چهل خلفه. برخی دیگر این شترها را موصوف به سی و سه حقه، سی و سه جذعه و سی و چهار ثنیه دانسته‌اند. عده‌ای سی و سه بنت لبون، سی و سه حقه و سی و چهار خلفه را پیشنهاد کرده‌اند و عده‌ای هم بر آن شده‌اند که این شترها باید مشتمل بر سی و سه بنت لبون، سی و سه حقه و سی و چهار ثنیه باشند. در این میان، گروهی با کنار نهادن برخی روایات و استناد به روایتی صحیح، شتران دیه قتل شبه‌عمد را به سی بنت لبون، سی حقه و چهل خلفه توصیف کرده‌اند. امام خمینی (ره) با اشاره به مدرک هریک از این دیدگاه‌ها که روایات مختلفی هستند، هیچ یک از روایات را بر دیگری ترجیح نداده و نظریه دیگری مطرح می‌کنند که بر احتیاط استوار است. ایشان، بهترین و متقن‌ترین راهکار برای تعیین وصف شتران قتل شبه‌عمد را عدم تعیین آنها دانسته و مصالحه طرفین را در این زمینه، مقتضای احتیاط معرفی می‌کنند. همچنین براساس دیدگاه امام خمینی (ره)، جانی باید در پرداخت شترها، جانب احتیاط را به‌گونه‌ای رعایت نماید که مطمئن شود ذمه او از حق اولیای دم، بری شده است و در نتیجه، شترانی بپردازد که قیمت بالاتری دارند.

فهرست منابع

- ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ج ۳.
- ابن‌براج، قاضی عبد‌العزیز (۱۴۰۶ق)، *المهذب (لابن‌البراج)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: جلد ۲.
- ابن‌منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ج ۱۵.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان، چاپ سی‌ام، ج ۱.
- اسلامی، علی (۱۴۲۵ق)، *ترجمه تحریر الوسیلة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم، ج ۴.
- امام خمینی، سید روح‌الله موسوی (بی‌تا)، *تحریر الوسیلة*، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، ج ۲.
- تیموری، خیراله (۱۳۹۱)، *خسارت زاید بر دیه*، تبریز: انتشارات آیین دادرسی.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل‌الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البتیت علمیه السلام، ج ۲۹.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ج ۴۲.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، *اللمعة دمشقیة فی فقه الإمامیة*، بیروت: دار التراث.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ج ۱۴ و ۱۵.
- شیخ طوسی، ابو جعفر محمدبن حسن (۱۴۰۰ق)، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، تهران: المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ج ۷.

- شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق)، *المقنعة*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق)، *تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ج ۵.
- عمید، حسن (۱۳۹۱)، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سی و یکم، ج ۲.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق)، *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الديات*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ج ۷.
- محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۴.
- محمود عبد الرحمان، عبدالمنعم، (بی تا)، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة*، بی جا: بی نا، ج ۳.
- مشکینی، میرزا علی (بی تا)، *مصطلحات الفقه*، بی جا: بی نا.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز کتاب لترجمة و النشر، ج ۱۳.
- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: میزان، چاپ دوازدهم.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۴۲ و ۴۳.